

عبارات کلیدی برای کنفرانس ممزوج کننده روز یادبود ۲۰۲۴

ما باید دریابیم که هر چیزی که طی می کنیم
فقط یک مقصود دارد -

اینکه حیات خدا از طریق ما رها شده و در ما ابراز شود؛
باشد که انسان بیرونی ما شکسته شود به حدی که
انسان درونی بتواند رها و ابراز شود؛
این نفیس است، و این راه خادمان خداوند است.

ماندن در خداوند، یک روح بودن با اوست،
و دعا‌های مؤثر، حاصل از
ماندن ما در خداوند و ماندن کلام او در ما است.

مسرت ما از مسیح به عنوان جریان حیات برای این است که ما
برزگران، کاشتگران، آبیاری کنندگان، مولود کنندگان،
خوراک دهندگان، و بناکنندگان با خدمتگزاری حیات
برای بنای ارگانیک شگرف خدا، خانه شوکتمند خدا، باشیم.

ما همه چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می نگریم و بازتاب می کنیم،
از جلال تا جلال به همان صورت دگرگون می شویم.

رئوس مطالب پیام ها
برای کنفرانس ممزوج کننده روز یادبود
۲۷-۲۴ مه، ۲۰۲۴

موضوع کلی: زندگی مسیحی

پیام یک

اهمیت نهادی زندگی مسیحی

خواندن متون مقدس: یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ۲: ۱۰؛ ۴: ۶-۷

۱. **زندگی مسیحی، زندگی زیستن مسیح است؛ زیستن ما باید مسیح باشد، و راه زیستن مسیح، عاشق مسیح بودن است - فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱؛ غلاطیان ۲: ۲۰:**

آ. ما می‌توانیم مسیح را با عشق بی نهایت به مسیح زیست کنیم. اگر عاشق مسیح نباشیم، نمی‌توانیم او را زیست کنیم، و عاشق او بودن، بهترین راه برای تمرکز تمام وجودمان بر اوست - ۲: ۱۴؛ ۱: ۱۴؛ ۴: ۱۹؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱؛ مرقس ۱۲: ۳۰؛ مکاشفه ۲: ۴-۵؛ یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ۲۱: ۱۷-۱۵؛ ۱: ۱۶؛ ۲: ۲۲.

ب. عشق به خدا بدین معناست که تمام وجودمان - روح، روان و بدن را با قلب، روان، ذهن، و قوت (مرقس ۱۲: ۳۰) - به طور مطلق بر او قرار دهیم، یعنی اجازه دهیم تمام وجودمان توسط او اشغال شده و در او گم شود، تا او همه چیز برای ما شود و ما عملاً در زندگی روزانه خود با او یک باشیم.

پ. وقتی که عاشقش هستیم، «روح همه چیز حتی عمق‌های خدا را نیز تفحص می‌کند» (۱: ۱۰). کلمه یونانی برای «تفحص [جستجو] می‌کند» در اشاره به تحقیق فعالانه استفاده می‌شود، که به معنای دانش دقیق است که نه با کشف کردن بلکه با کاوش کردن به دست می‌آید. روح خدا اعماق خدا را در مورد مسیح کاوش می‌کند و آنها را در روحمان برای درک و شرکت کردن ما، به ما نشان می‌دهد.

ت. زیستن زندگی مسیحی، عشق به عیسی پسر خداست تا ما مورد عشق پدر و پسر قرار بگیریم و از ظاهر شدن پسر به ما و دیدار آنها با ما، جهت ساختن منزلی مشترک با ما، مسرت بپریم - یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳.

ث. زندگی مسیحی، زندگی عشق به خدا و عشق به یکدیگر با خود خدا به عنوان عشقمان است؛ مسیح در این دنیا یک زندگی از خدا به عنوان عشق را زیست، و او اکنون حیات ماست تا ما همان زندگی عشق را در این دنیا زیست کنیم و در سفر خدمتگزاری او جهت جوییدن گمشده و نجات دادن گناهکار، مثل او باشیم - ۱: ۱۹؛ ۴: ۱۶-۱۹. لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷؛ ۱۹: ۱۰؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۱؛ ر. ک. غلاطیان ۵: ۱۳-۱۵.

۲. **زیستن زندگی مسیحی، انجام همه کارها در شخص مسیح، در چهره مسیح است - ۲: ۱۰؛ ۴: ۶-۷:**

آ. کلمه یونانی برای «حضور [شخص]» به طور تحت الفظی «چهره» است، مانند ۴: ۶. آن به قسمت اطراف چشم اشاره دارد، نگاهی که به عنوان شاخص افکار و احساسات درونی است، که کل شخص را نشان داده و ظاهر می‌کند.

ب. پولس رسول، که الگویی برای ایمانداران بود (۱ تیموتائوس ۱: ۱۶)، کسی بود که در حضور مسیح، برطبق شاخص کل شخص او [مسیح] که در چشمانش ابراز می‌شود، زندگی و عمل می‌کرد.

پ. هرگاه قلبمان به سوی خداوند می‌چرخد، نقاب [حجاب، پرده] از قلب ما برداشته می‌شود و می‌توانیم خداوند جلال را با چهره‌ای بی نقاب بنگریم. در واقع، قلب رویگردان ما، آن نقاب است.

یک چهره بی نقاب، قلبی بی نقاب برای نگرستن جلال خدا در چهره عیسی مسیح است -
۲ قرنیتان ۳: ۱۶، ۱۸؛ ۴: ۶-۷؛ ۱ سموئیل ۱۶: ۷؛ افسسیان ۱: ۱۸.آ.

ت. جلال خدا، در چهره مسیح است، و چهره او، شخص او، آن گنجینه ساکن در درون روحمان است - ۲ قرنیتان ۴: ۶-۷؛ ۱ پطرس ۳: ۴.

ث. ما ظروف خاکی هستیم که بی ارزش و شکننده می باشیم، ولی در درون روحمان حاوی گنجینه ای نفیس، چهره، شخص خود مسیح هستیم (۲ قرنیتان ۲: ۱۰؛ ۴: ۶). در کل عالم هیچ چیز به اندازه نگرستن بر چهره عیسی، نفیس نیست (پیدایش ۳۲: ۳۰؛ خروج ۲۵: ۳۰؛ ۳۳: ۱۱، ۱۴؛ مزامیر ۲۷: ۴؛ ۸؛ مکاشفه ۲۲: ۴):

۱. فقط وقتی که در حضور او زندگی کرده، به شاخص وجود او نگاه می کنیم، حس خواهیم کرد که او برای ما چنین گنجینه ای است. اگر مشکلی داریم، فقط باید به او بگوییم؛ او درست در درون ماست، و او در رو با ماست - فیلیپیان ۴: ۶.

۲. دیدن خدا مساوی است با کسب کردن خدا، که عبارت است از دریافت خدا در عنصرش در ما، تا ما را دگرگون کند (ایوب ۴۲: ۵-۶؛ متی ۵: ۸). همان خدایی که امروز او را نگاه می کنیم، آن روح تکمیل شده است، و ما می توانیم در روحمان او را نگاه کنیم تا غنای خدا را در وجودمان جذب کنیم و روز به روز تحت دگرگونی الهی باشیم (۲ قرنیتان ۳: ۱۸؛ متی ۱۴: ۲۲-۲۳، کولسیان ۴: ۲).

ج. همانطور که قلب خود را در روحمان به سوی خداوند می چرخانیم تا رو در رو بر او بنگریم و او را به درون دیگران بدرخشانیم (اشعیا ۶۰: ۱، ۵)، در فرآیند تبدیل شدن به صورت پرجلال او هستیم تا به روزی که «مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید» - دوم قرنیتان ۱۸: ۴-۱؛ ۱ یوحنا ۳: ۲؛ مکاشفه ۲۲: ۴.

۳. زیستن زندگی مسیحی، گام برداشتن به شایستگی آن فراخوانی است که به آن خوانده شده ایم - افسسیان ۴: ۱-۴:

آ. مورد اول از گام برداشتن [رفتار] شایسته فراخوانی [دعوت] خدا، سعی کردن برای نگاه داشتن یگانگی روح به عنوان واقعیت بدن مسیح است که با فضایل انسانی دگرگون شده، توسط [صفات الهی] و با صفات الهی تقویت می شوند - آ.آ. ۴-۱:

۱. در روح عیسای جلال یافته، انسانیت دگرگون شده عیسی وجود دارد. نوشیدن از آن یک روح و جاری کردن آن برای آن یک بدن، نوشیدن و جاری کردن روح عیسای انسان است، [یعنی] نوشیدن و جاری کردن انسانیت عیسی با فضایل انسانی به طور الهی غنی شده اوست، که شامل افتاده دلی، حلم، و شکیبایی برای تحمل یکدیگر در عشق است - یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ ۱ قرنیتان ۱۲: ۱۳؛ اعمال ۱۶: ۷؛ افسسیان ۴: ۲-۳.

۲. اگر نام خداوند را بخوانیم و از او تغذیه کنیم، از عیسی به عنوان یک انسان مسرت می بریم، و تمام فضایل انسانیت رفعت یافته او، در روح عیسی، برای به عمل آوردن زندگی کلیسای بازیابی شده در روح واقعیت به عنوان واقعیت بدن مسیح، از آن ما خواهد بود - ۱ قرنیتان ۱: ۱۰؛ ۳-۴؛ ۱۷؛ ۱۲: ۳ب، ۱۳؛ ۱۶: ۱۳؛ افسسیان ۴: ۳-۴.آ.

ب. مورد دوم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا، رشد ما در مسیح سر در همه امور است - آ.آ. ۱۵-۱۶:

۱. برای اینکه در مسیح در همه امور برای بناسازی بدن او رشد کنیم، باید از مسیح به عنوان جایگزین شامل تمام و عالمی خود جهت تولید آن یک انسان نو مسرت ببریم، پس باید «از او [او را] بشنوید» و «عیسی تنها» را ببینیم - مرقس ۹: ۷-۸.

۲. هر چیز یا هر کس که مسیح نباشد را خدا «اخراج» می کند. خدا همه چیز در اقتصاد عهد قدیمش را با مسیح جایگزین کرده است - ۱: ۱-۸؛ متی ۱۷: ۳-۵؛ کولسیان ۲: ۱۶-۱۷؛ عبرانیان ۱۰: ۵-۱۱؛ ۱۱: ۵-۶؛ ر.ک. اشعیا ۲۲: ۲۰-۲۵.

۳. وقتی خدا ما را آفرید، ما را «استخدام کرد». وقتی او ما را بر صلیب گذاشت و با مسیح مصلوب کرد، ما را «اخراج کرد». وقتی او ما را همراه با مسیح رستاخیز نمود، ما را توسط ساختمان به عنوان گونه ای جدید از خدا-انسان ها، اختراع جدیدی از خدا به عنوان شاهکار جمعی او، «دوباره استخدام کرد»، ما را به قصد اصلی خود یعنی آفرینش ما برای جلال او، ابراز جمعی او، بازگرداند - پیدایش ۱: ۲۶؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ افسسیان ۲: ۶، ۱۰، ۱۵؛ اشعیا ۴۳: ۷.

پ. مورد سوم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا این است که مسیح را به عنوان واقعی که در عیسی است بیاموزیم - افسسیان ۴: ۲۰-۲۴:

۱. «راستی [واقعیت که] در عیسی است» اشاره دارد به وضعیت حقیقی زندگی عیسی همانطور که در آن چهار انجیل ثبت شده است؛ عیسی زندگی ای داشت که در آن همه کار را در خدا، با خدا و برای خدا انجام می داد؛ خدا در زیستن او بود، و او با خدا یک بود - آ. ۲۰-۲۱.

۲. او در زندگی خود بر روی زمین، الگوی را برپا کرد، همانطور که در آن چهار انجیل آشکار شده است؛ او سپس مصلوب شد و رستاخیز کرد تا روح حیات بخش شود و در ما وارد شود تا حیات ما باشد؛ ما طبق مثال او، نه با حیات طبیعی خود بلکه با او به عنوان حیاطمان در رستاخیز، از او می آموزیم - ۱ قرن تیان ۱۵: ۴۵ب؛ کولسیان ۳: ۴.

۳. همانطور که عاشق خداوند هستیم، با او تماس می گیریم، و به او دعا می کنیم، به طور خودکار او را بر طبق قالب، شکل، الگوی توصیف شده در انجیل زیست می کنیم. ما از این طریق شکل گرفته، همشکل صورت این قالب می شویم - این همان معنای مسیح را آموختن است - متی ۱۱: ۲۹؛ رومیان ۸: ۲۹.

ت. مورد چهارم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا، زیستن ما در عشق و نور است - افسسیان ۵: ۲، ۸:

۱. ما باید شریک طبیعت الهی بوده، از آن مسرت ببریم (۲ پطرس ۱: ۴). طبیعت الهی، آنچه خدا هست است - خدا روح است (یوحنا ۴: ۲۴)، خدا عشق است (۱ یوحنا ۴: ۸، ۱۶)، و خدا نور است (۱: ۵). روح، طبیعت شخص خداست، عشق، طبیعت جوهر خداست، و نور، طبیعت ابراز خداست.

۲. ما همه باید یک زمان شخصی کافی را با خداوند صرف کنیم که در روحمان با او به طور خصوصی مشارکت نماییم تا بتوانیم از جوهر محبت آمیز او پر شویم تا او از طریق ما دیگران را شبانی کند که بتوانیم از عنصر درخشان او پر شویم تا دیگران او را در ما ببینند - یوحنا ۴: ۲۴؛ لوقا ۱۵: ۲۰؛ متی ۵: ۱۵-۱۶.

ث. مورد پنجم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا، زیستن ما توسط پر شدن در روح برای لبریز شدن از مسیح است - افسسیان ۵: ۱۸:

۱. سخن گفتن، سراییدن، مزمور خواندن، شکرگزاری از خدا، و تسلیم کردن خود به یکدیگر در ترس از مسیح، نه تنها برون ریزی پر شدن در روح بلکه راه پر شدن در روح است - آ. ۱۹-۲۱.

۲. پر شدن در روح، پر شدن از غنای مسیح برای تبدیل شدن به پری مسیح، لبریز شدن مسیح، است؛ با خواندن خداوند و دعا-خوانی کلام او، ما می توانیم مدام او را به عنوان فیض از پی فیض دریافت کنیم تا پری او، لبریز شدن او، شویم - ۳: ۸؛ ۱: ۲۳؛ ۳: ۱۹ب؛ رومیان ۱۰: ۱۲-۱۳؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ یوحنا ۱: ۱۶.

۴. زیستن زندگی مسیحی این است که تأدیب روح القدس را بپذیریم:

آ. خدای خواهد توسط اینکه ما تأدیب [انضباط] روح القدس را بپذیریم، که به معنای خالی کردن [ریخته شدن] ما، توسط خدا، از ظرفی به ظرف دیگر برای رفع دُردها، ته نشین های انسان بیرونی طبیعی ما است، طعم ما را بگیرد و رایحه ما را تغییر دهد تا وقتی که طعم خالص مسیح را داشته باشیم و عطر خالص مسیح را پخش کنیم - ارمیا ۴۸: ۱۱؛ ۲ قرن تیان ۲: ۱۴-۱۵؛ غزل غزلها ۴: ۱۶؛ ۲ پادشاهان ۴: ۸-۹:

۱. «پدر روح‌ها» ما را از طریق آزمایش‌ها و توبیخ، تأدیب می‌کند «تا شریک قدوسیت او گردیم» - عبرانیان ۱۲: ۴-۱۳.
۲. کسانی که هرگز آزمایش‌ها و توبیخ را طی نکرده‌اند، از ظرفی به ظرف دیگر ریخته نشده‌اند؛ از این رو، طعم دُردها، ته نشین‌ها، رسوبات خلق و خوی طبیعی آنها، انسان بیرونی آنها، خود آنها، در درونشان باقی مانده و رایحهٔ آنها تغییر نکرده است - ارمیا ۴۸: ۱۱؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غزل غزلها ۴: ۱۶.
- ب. مریم ظرفی مرمزین از یک پوند عطر سنبلی خالص بسیار گرانبها داشت؛ وقتی ظرف را شکست و بر روی خداوند ریخت، «خانه از بوی عطر پر شد» - یوحنا ۱۲: ۲-۳؛ مرقس ۱۴: ۳؛ ر.ک. غزل غزلها ۱: ۱۲.
- پ. ظرف مرمزین نشانگر انسان بیرونی ماست، که باید شکسته شود تا انسان درونی بتواند نمایان شود. خداوند در ما و بر ما از راه‌های مختلف متعدد به منظور شکستن ظرف خاکی، ظرف مرمزین، پوستهٔ بیرونی، کار می‌کند - ۲ قرن‌تیا ۴: ۷؛ یوحنا ۱۲: ۳، ۲۴؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹.
- ت. ما آنچه به طور طبیعی هستیم هیچ معنی نمی‌دهد؛ فقط آنچه را که روح در وجودمان می‌سازد حساب می‌شود. تأدیب روح القدس خلق و خوی طبیعی و عادات ما را نابود می‌کند و ساختار روح القدس در بلوغ و شیرینی را به ارمغان می‌آورد؛ خدا به همه چیز در محیط ما دستور می‌دهد که آنچه ما به طور طبیعی هستیم را متلاشی کند تا او در ما خلق و خوی جدیدی شکل دهد، منش جدید، و صفات جدید - یوحنا ۳: ۶؛ ۲ قرن‌تیا ۵: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۱۵.
- ث. دو دلیل اصلی برای شکسته نشدن وجود دارد:
 ۱. یک شخص شکسته نمی‌شود زیرا در تاریکی زندگی می‌کند؛ در تمام اتفاقاتی که برای او می‌افتد، او تمام تقصیرها را به گردن افراد دیگر یا محیط می‌اندازد. او هیچ مکاشفه‌ای از دست خدا ندارد و اینکه خدا آن کسی است که به او رسیدگی می‌کند - ر.ک. ایوب ۱۰: ۱۳؛ افسسیان ۳: ۹.
 ۲. یک شخص شکسته نمی‌شود زیرا بیش از حد خود را دوست دارد؛ باید از خدا بخواهیم که عشق به خود را از ما دور کند. همهٔ سوء تفاهم‌ها و نارضایتی‌ها فقط از یک امر ناشی می‌شوند - عشق پنهانی به خود.
- ج. ما باید دریابیم که هر چیزی که طی می‌کنیم فقط یک مقصود دارد - اینکه حیات خدا از طریق ما رها شده و در ما ابراز شود. باشد که انسان بیرونی ما شکسته شود به حدی که انسان درونی بتواند رها و ابراز گردد؛ این ارزشمند است، و این راه خادمان خداوند است - یوحنا ۱۲: ۲۴-۲۶؛ ۲ قرن‌تیا ۴: ۱۲.

مشارکت در مورد

شکسته شدن انسان بیرونی برای رهایی روح و ابراز خدا

باید بدانیم چرا خدا ما را در دنیا قرار داده است. او ما را در دنیا قرار داده است تا حضور ما باعث ایجاد گرسنگی و تشنگی برای عدالت در گناهکاران، ایمانداران، و دنیا شود. در کارمان، ما باید در درون دیگران ایجاد گرسنگی کنیم. باید یک طراوت، قدرت، تغذیه و تأمین معمایی درون ما باشد که دیگران را توسط حضور ما به جستجوی خدا سوق دهد. دیگران باید در نتیجهٔ ملاقات و صحبت با ما، مایل به جستجوی خدا باشند. اگر همیشه دیگران را ببینیم و با آنها مکالمه کنیم بدون ایجاد تمایل در درون آنها به خدا، یعنی شکست خورده ایم. اگر خواندن کتاب مقدس، دعا، خدمت، و بشارت انجیل توسط ما، چنین گرسنگی نیرومندی را در انسان ایجاد نمی‌کند، کار ما شکست خورده است (مجموعه آثار واچمن نی).

دوم پادشاهان ۴، شرح استقبال زن شونامی از ایشع را به ما می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید که «روزی ایشع به شونام رفت و در آنجا زنی سرشناس به اصرار او را به طعام فرا خواند، از آن پس هرگاه ایشع از

آنجا می گذشت، برای صرف طعام در آن خانه توقف می کرد. پس آن زن به شوهر خود گفت: اینک فهمیده ام که این مرد مقدس خداست که همیشه از نزد ما می گذرد» (آ.آ. ۸-۹). اِلیشع از شونیم عبور کرد. او نه یک پیام داد و نه یک معجزه کرد. او هرگاه از آنجا می گذشت، توقف کرده و در آنجا غذا می خورد. آن زن او را به خاطر نحوه غذا خوردنش مرد خدا معرفی کرد. این اثری بود که اِلیشع بر دیگران می گذاشت. امروز باید از خود پرسیم: «اثری که بر دیگران می گذاریم چیست؟ آنچه که از ما صادر می شود چیست؟» بارها گفته ایم که انسان بیرونی باید شکسته شود. اگر انسان بیرونی شکسته نشده است، اثری که دیگران از ما دریافت می کنند چیزی جز انسان بیرونی نخواهد بود. هر بار با دیگران تماس می گیریم، ممکن است به آنها احساس ناخوشایندی بدهیم که خود دوست، لجباز و مغرور هستیم. یا ممکن است بر آنها این اثر را بگذاریم که باهوش و فوق العاده سخنور هستیم. شاید بر دیگران اثر به اصطلاح خوبی بگذاریم. ولی آیا این اثر خدا را راضی می کند؟ آیا نیاز کلیسا را رفع می کند؟ خدا راضی نمی شود، و کلیسا نیازی به اثرات به اصطلاح خوب ما ندارد.

...اگر انسان بیرونی شکسته نشود، روح ما رها نمی شود، و اثری که بر دیگران می گذاریم، اثری از روح نخواهد بود.

...آنچه بر دیگران اثر می گذارد، قوی ترین نقاطی است که در خودمان داریم (واچمن نی).

پیام دو یک حیات پیوندی

- خواندن متون مقدس: یوحنا ۱۵: ۱، ۴-۵؛ رومیان ۱۱: ۱۷-۲۴؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷
۱. به عنوان ایمانداران به مسیح، ما باید یک حیات پیوندی را زیست کنیم - حیاتی که در آن با خداوند یک روح هستیم و در اتحاد ارگانیک با او زندگی می‌کنیم - ۱ قرنتیان ۶: ۱۷؛ یوحنا ۱۵: ۴.
 ۲. کتاب مقدس آشکار می‌کند که رابطه‌ای که خدا مایل است با انسان داشته باشد این است که او و انسان یک شوند - ۱ قرنتیان ۶: ۱۷:
 - آ. خدا مایل است که حیات الهی و حیات انسانی با هم بپیوندند و تبدیل به یک حیات شوند - ۱۵: ۱، ۴-۵.
 - ب. این یگانگی، یک اتحاد ارگانیک است، اتحادی در حیات - یک حیات پیوندی [پیوند خورده].
 - پ. منظور از این که حیات الهی و حیات انسانی به صورت یک با هم پیوند خورده اند، اسرارآمیز و فراتر از مفهوم طبیعی بوده و برای فکر انسان بیگانه است.
 ۳. در پیوند خوردن، دو حیات یکسان، به هم می‌پیوندند و سپس با هم رشد می‌کنند - رومیان ۱۱: ۱۷-۲۴:
 - آ. پیوند خوردن فقط وقتی می‌تواند مؤثر باشد که حیات‌های پیوندی یکسان باشد.
 - ب. چون حیات انسانی ما به صورت خدا و موافق شبیه خدا ساخته شده است می‌تواند به حیات الهی بپیوندد.
 - پ. حیات انسانی ما شبیه حیات الهی است؛ بنابراین، حیات الهی و حیات انسانی می‌توانند با هم پیوند خورده و سپس به صورت ارگانیک با هم رشد کنند.
 ۴. برای اینکه ما به مسیح پیوند بخوریم، او باید از فرآیندهای مجسم شدن، مصلوب شدن و رستاخیز عبور می‌کرد:
 - آ. مسیح جسم شد تا بذر داوود، شاخه‌ی داوود، آن شاخه، باشد، تا اینکه که ما با او پیوند بخوریم. او مثل ما شد تا او و ما بتوانیم به هم پیوند شویم - یوحنا ۱: ۱۴؛ متی ۱: ۱؛ زکریا ۳: ۸؛ ارمیا ۲۳: ۵؛ ۳۳: ۱۵.
 - ب. مسیح بر صلیب «بریده شد» تا ما بتوانیم به او پیوند بخوریم:
 ۱. تبدیل شدن مسیح به شاخه‌ی داوود به خودی خود به این معنی نیست که او می‌تواند با ما پیوند بخورد.
 ۲. پیوند خوردن مستلزم برش است. دو شاخه را نمی‌توان با هم پیوند زد، مگر اینکه هر دو بریده شوند:
 - (آ) مسیح وقتی که بر صلیب مرد، بریده شد.
 - (ب) ما وقتی که توبه کردیم و خداوند را پذیرفتیم، بریده شدیم.
 ۳. پس از انجام برش، پیوستن و اتحاد ارگانیک رخ می‌دهد. بنابراین، در پیوند خوردن، برش، پیوستن، و اتحاد ارگانیک را داریم.
 - پ. پس از بریده شدن مسیح بر صلیب، اورستاخیز کرد تا روح حیات بخش شود - ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۷آ:
 ۱. با تبدیل شدن به چنین روحی، مسیح برای پیوند شدن آماده شد.
 ۲. هنگامی که ما توبه کنیم و خداوند را دریافت نماییم، او به عنوان روح حیات بخش وارد روح ما شده، حیات الهی را در ما می‌آورد، و ما با مسیح پیوند می‌خوریم - یوحنا ۲۰: ۲۲؛ رومیان ۸: ۱۱:
 - (آ) این حیات، حیات مرگ و رستاخیز است.

(ب) مسیح به عنوان روح حیات بخش، کلید مرگ و رستاخیز را در ما ایمانداران می آورد،
تا بمیریم و با مسیح رستاخیز کنیم - غلاطیان ۲: ۲۰.
(پ) در این مرگ و رستاخیز، ما با مسیح پیوند می خوریم.

۵. ما به عنوان افراد تولد تازه یافته، باید یک حیات پیوندی را زیست کنیم - حیاتی که در آن دو طرف
به هم می پیوندند تا به صورت ارگانیک رشد کنند - یوحنا ۱۵: ۱، ۴-۵:

آ. بعد از اینکه به مسیح پیوند خوردیم، دیگر نباید توسط خودمان زندگی کنیم، بلکه باید به مسیح
پنوماتیک اجازه دهیم که در ما زندگی کند - غلاطیان ۲: ۲۰.
ب. ما دیگر نباید توسط جسم خود یا توسط وجود طبیعی خود زندگی کنیم. در عوض، ما باید توسط
روح تولد تازه یافته خود، روحی که با مسیح پیوند خورده است، زندگی نماییم - رومیان ۸: ۴.
پ. از طریق این پیوند خوردن، ما با او متحد می شویم، با او آمیخته می شویم، و با او پیوسته شده می
شویم تا بدن مسیح شویم - ۱۲: ۴-۵.

۶. حیات پیوندی، یک حیات معاوضه ای نیست، بلکه آمیختن حیات انسانی با حیات الهی است -
غلاطیان ۲: ۲۰:

آ. منظور از حیات معاوضه شده این است که ما حیات انسانی خود را به خداوند می سپاریم، و او
حیات الهی خود را جایگزین آن می کند.
ب. زندگی مسیحی حیات معاوضه ای نیست، بلکه حیات پیوندی است - آمیختن حیات انسانی با
حیات الهی - رومیان ۶: ۳-۵؛ یوحنا ۱۵: ۱، ۴-۵:
۱. حیات ها معاوضه یا داد و ستد نمی شوند.

۲. به جای معاوضه، توزیع، تزریق حیات الهی در حیات انسانی و آمیختن حیات الهی با حیات
انسانی است.

پ. شگفت انگیزترین واقعیت در تجربه مسیحی این است که ایمانداران به مسیح، در راه حیات با
مسیح متحد شده اند - ۱ قرن تیان ۶: ۱۷:

۱. هر آنچه مسیح هست و هر چه او انجام داده است، در مجموع برای یک چیز است: اینکه او
و ما بتوانیم به طور ارگانیک متحد بوده و یک حیات پیوندی را زیست کنیم - یوحنا ۱۵: ۴-۵.
۲. خداوند در بازیابی خود، این مورد نادیده گرفته شده حیات پیوندی را بازیابی می کند.

۷. در حیات پیوندی، حیات انسانی حذف نمی شود، بلکه توسط حیات الهی تقویت می شود، رفعت
می یابد و غنی می گردد - رومیان ۱۱: ۱۷-۲۴:

آ. در حیات پیوندی، شاخه هنوز همان مشخصات ذاتی خود را حفظ می کند، ولی حیاتش رفعت
می یابد و توسط پیوند خوردن به حیات بهتر، دگرگون می شود:

۱. حیات بالاتر، حیات پایین تر را تحت سلطه خود در می آورد.
۲. حیات بالاتر، حیات پایین تر را غنی کرده، رفعت می دهد و دگرگون می کند.
ب. در حیات پیوندی، حیات الهی در درون ما کار می کند تا عناصر منفی را تخلیه کند - ۲ قرن تیان ۳: ۱۸:
۱. حیات الهی به طور تدریجی کار می کند تا هر آنچه طبیعی است را حذف کند.
۲. عنصر منفی در خلق و خوی ما کشته می شود، و سپس، به جای دور انداختن خلق و خوی
ما، خداوند آن را رفعت داده و از آن استفاده می کند.

پ. در حیات پیوندی، حیات الهی آفرینش اولیه خدا را رستاخیز می دهد - یوحنا ۱۱: ۲۵:

۱. خداوند به جای دست کشیدن از خلقت خود، آن را پس خواهد گرفت.
۲. خدا قصد دارد تمام جوانب وجودمان را به درون رستاخیز بیاورد - فیلیپیان ۳: ۱۱:
(آ) همانطور که حیات الهی چیزهای منفی را تخلیه می نماید، آن برای رستاخیز آفرینش
اولیه خدا کار می کند.

- (ب) بدین گونه عملکردهای اولیه ما - عملکردهایی که در زمان آفرینش به ما داده شده اند - بازسازی، تقویت و غنی می شوند - غلاطیان ۲: ۲۰.
- ت. در حیات پیوندی، حیات الهی غنای مسیح را به درون اجزای درونی ما تأمین می کند - رومیان ۱۲: ۲:
۱. قوای رستاخیز کرده و رفعت یافته ما با غنای مسیح تأمین می شوند.
 ۲. از طریق چنین تأمینی، ما در ذهن، احساس و اراده خود نو می شویم.
- ث. در حیات پیوندی، حیات الهی کل وجودمان را اشباع می کند - ۸: ۲۹-۳۰:
۱. غنای مسیح ما را اشباع می کند و ما را دگرگون می نماید - ۱۲: ۲؛ ۲: ۱۸.
 ۲. توسط این اشباع حیات الهی، ما با صورت مسیح همشکل می شویم - رومیان ۸: ۲۹.

اهمیت نهادی و مکاشفه

مرهم مرکب به عنوان روغن مسح مقدس -

نمادی کامل از روح مرکب شامل تمام خدای سه یکتای فرآیند شده

خواندن متون مقدس: خروج ۳۰: ۲۲-۳۰؛ ۱ قرنطیان ۱۵: ۴۵؛ یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ فیلیپیان ۱: ۱۹

۱. روغن مسح مقدس، یک مرهم مرکب از روغن زیتون و چهار ادویه، «که از صنعت عطار ساخته شود»، نمادی کامل از روح عیسی مسیح است، آن روح مرکب، شامل تمام، حیات بخش خدای سه یکتای فرآیند شده، که مسیح از طریق مرگ و رستاخیزش تبدیل به آن شد - خروج ۳۰: ۲۲-۲۵؛ ۱ قرنطیان ۱۵: ۴۵؛ یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ فیلیپیان ۱: ۱۹:

آ. اهمیت های ترکیبات این روغن مسح مرکب به شرح زیر است:

۱. مُرّ چکیده، ادویه ای که در تدفین استفاده می شد (یوحنا ۱۹: ۳۹)، نشانگر مرگ نفیس مسیح است (رومیان ۶: ۳):

(آ) از مُرّ به عنوان مُسکن نیز برای کاهش رنج مرگ استفاده می شد. وقتی خداوند عیسی در حال مصلوب شدن بود، به او شراب مخلوط به مُرّ پیشنهاد دادند تا دردش را کاهش دهد - مرقس ۱۵: ۲۳.

(ب) مُرّ همچنین می تواند برای شفای بدن هنگام ترشح اشتباه استفاده شود؛ در زندگی انسانی ما، ترشحات اشتباه زیادی وجود دارد، ولی مرگ خداوند بر صلیب این مشکل را اصلاح می کند.

۲. دارچین معطر نشانگر شیرینی و تأثیرگذاری مرگ مسیح است - رومیان ۸: ۱۳:

(آ) دارچین برای تحریک قلب ضعیف تجویز می شد.

(ب) وقتی مرگ خداوند در آن روح را بر وجود درونی خود به کار می بریم، قلبمان تحریک می شود تا ما را در خداوند خوشحال و شاد سازد - فیلیپیان ۴: ۴؛ نحمیا ۸: ۱۰.

۳. نیشکر معطر، از نی که در مرداب یا مکانی گل آلود به سمت بالا می روید، نشانگر رستاخیز نفیس مسیح است - افسسیان ۲: ۶؛ کولسیان ۳: ۱؛ ۱ پطرس ۱: ۳.

۴. سَلِیخَه که در زمان های باستان برای دفع حشرات و مارها استفاده می شد، نشانگر قدرت دفع کننده رستاخیز مسیح است؛ سَلِیخَه تمام «حشرات» شرور و به خصوص مار کهن، ابلیس، را دفع می کند - فیلیپیان ۳: ۱۰.

۵. روغن زیتون به عنوان پایه مرهم مرکب، نشانگر روح خدا به عنوان پایه روح مرکب است - پیدایش ۱: ۲.

ب. از آنجایی که عدد چهار بر موجودات دلالت دارد (حزقیال ۱: ۵)، که انسان سر آنهاست (پیدایش ۱: ۲۶)، و عدد یک حاکی از خدای منحصر به فرد است (تثنیه ۴: ۳۵؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۵)، آن چهار ادویه نشانگر انسانیت مسیح در آفرینش خداست، و آن یک هین روغن زیتون نشانگر خدای منحصر به فرد با الهیت اوست؛ از این رو، ممزوج شدن روغن زیتون با آن چهار ادویه دلالت دارد بر ترکیب شدن، آمیختن خدا و انسان، الهیت و انسانیت، در روح مرکب - لاویان ۲: ۴ و زیرنویس ۳.

پ. روغن زیتون و آن چهار ادویه همه از طریق فرآیند فشردن یا بریدن آماده می شدند؛ این نشان می دهد که روح خدا از طریق رنجهای مسیح (متی ۲۶: ۳۶)، روح مسیح شد (رومیان ۸: ۹).

ت. علاوه بر این، مقدار آن چهار ادویه، که سه واحد کامل هرکدام پانصد مثقال بود و پانصد مثقال میانی به دو قسمت شکافته می شد، نشانگر خدای سه یکتا در رستاخیز است، که دومی، [یعنی] پسر، با مرگ خود بر صلیب، «شکافته» شد.

ث. از آنجایی که در کتاب مقدس عدد پنج، عدد مسئولیت است (۲۵: ۲ و زیرنویس ۱)، آن پنج عنصر موجود در مرهم مرکب و سه واحد پانصد مثقال از چهار ادویه، نشانگر خدای سه یکتا در رستاخیز به عنوان قدرت، قابلیت، برای متحمل شدن مسئولیت است.

ج. از آنجایی که اعداد سه و پنج مربوط به بنای خدا هستند (زیرنویس ۲ در پیدایش ۶: ۱۵ را ببینید)، این اعداد در مرهم مرکب نشان می دهند که در روح مرکب، آن عنصر برای بنای خدا وجود دارد.

چ. بر اساس اهمیت های فوق، ترکیب کردن آن چهار ادویه با روغن زیتون به جهت ساختن روغن مسح نشانگر آمیختن عناصر ذکر شده در بالا، با روح خدا از طریق فرآیند مجسم شدن، زندگی انسانی، مصلوب شدن، رستاخیز و صعود مسیح برای تولید روح مرکب جهت بنای محل سکونت جاودان خدا است.

۲. مرهم مرکب، روغن مسح مقدس، برای مسح مسکن با تمام اسباب آن، مذبح با تمام لوازم آن، حوض و پایه آن، و کاهنان استفاده می شد تا همه این چیزها را برای خدا و هدف الهی او مقدس، مجزا، تقدیس شده سازد - خروج ۳۰: ۲۶-۳۰؛ ۱ پطرس ۱: ۲؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۱؛ رومیان ۱۵: ۱۶:

آ. این مرهم دلالت دارد بر خدای سه یکتا که از طریق مجسم شدن، مصلوب شدن و رستاخیز مسیح، فرآیند و تکمیل شده است تا تبدیل به روح مرکب شامل تمام جهت رسیدن به مردم برگزیده و بازخرید شده اش شود، خود را با آنها یک ساخته و آنها را با خود یک سازد - یوحنا ۲۰: ۲۲؛ ۱ یوحنا ۲: ۲۰، ۲۷؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲۱؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷.

ب. یک چنین مسح، که حرکت کردن روح مرکب در درون ماست، تمام عناصر خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده را بر وجود درونی ما بکار برده و اضافه نیز می کند تا انسان درونی ما در حیات الهی با عناصر الهی رشد کند و ما با خدا به عنوان یک، آمیخته شویم - کولسیان ۲: ۱۹.

پ. روغن مسح مقدس، تنها به منظور مسح کردن محل سکونت خدا و کهنات است (ر.ک. ۱ پطرس ۲: ۵). از این جهت، فقط کسانی که برای محل سکونت خدا و برای کهنات هستند می تواند دارای مسرت روح مرکب شامل تمام باشند.

۳. روح خدا، که روغن زیتون نشانگر آن است، دیگر صرفاً روغن نیست، بلکه حالا روغن است که با مواد خاصی ترکیب شده است؛ یوحنا ۷: ۳۹ در این باره می گوید: «اما این را گفت درباره روح که هرکه به او ایمان آرد او را خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود، چونکه عیسی تا به حال جلال نیافته بود»

آ. این بدان معناست که قبل از تجلیل خداوند، که رستاخیز او بود (لوقا ۲۴: ۲۶)، آن روح مرکب هنوز نبود. پس از رستاخیز مسیح بود که ترکیب شدن، یا ممزوج شدن چنین روحی انجام شد.

ب. وقتی روح، روح خدا بود، فقط دارای عنصر الهی بود؛ بعد از این که او از طریق مجسم شدن، مصلوب شدن و رستاخیز مسیح، تبدیل به روح عیسی مسیح شد، روح هم عنصر الهی و هم عنصر انسانی را با تمام جوهر و واقعیت مجسم شدن، مصلوب شدن و رستاخیز مسیح داشت.

پ. این روح مرکب شامل تمام، حاکی از روغن مسح مقدس، تأمین فراوان روح عیسی مسیح، تأمین بدن مسیح است که ما توسط آن می توانیم مسیح را برای بزرگنمایی او در بدن، از طریق بدن، و برای بدن، زیست کنیم - فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱.آ.

۴. ما به عنوان ایمانداران، با مرهم مرکب، با روح شامل تمام، مسح شده ایم؛ مزامیر ۱۳۳: ۲ توصیف می کند که چگونه روغن مسح از سر هارون به ریش او و سپس به دامن ردایش جاری شد. این نشان می دهد که کل بدن، با روح مسح شده است:

آ. زمین یگانگی، به سادگی خدای سه یکتای فرآیند شده به عنوان روغن مسح مقدس، آن روح مرکب است که بر وجودمان به کار برده می شود - آ. ۱-۳.

ب. برای اینکه با آن مرهم «نقاشی» شویم (۱ یوحنا ۲: ۲۰، ۲۷)، باید با کلیسا یک باشیم؛ سپس به طور خود به خود از کاربرد روغن مسح با همهٔ عناصر آن مسرت خواهیم برد. چه شگرف است آن یگانگی که با کاربرد این مرهم تولید می شود!

پیام چهار

ماندن در مسیح به عنوان تاک حقیقی

خواندن متون مقدس: یوحنا ۱۵: ۱، ۴-۵، ۷؛

۱ یوحنا ۲: ۶، ۲۷-۲۸؛ ۳: ۲۴؛ ۴: ۱۳، ۱۵؛ رومیان ۸: ۴

۱. خداوند عیسی گفت: «من تاک حقیقی هستم» - یوحنا ۱۵: ۱؛ ر.ک. مکاشفه ۱۴: ۱۸:

آ. این تاک حقیقی (پسر) با شاخه هایش (ایمانداران به پسر)، ارگانیسم خدای سه یکتا در اقتصاد خداست.

ب. این ارگانیسم با غنای او رشد می کند و حیات الهی او را ابراز می نماید.

۲. به عنوان شاخه های تاک، ما باید در تاک بمانیم - یوحنا ۱۵: ۴-۵:

آ. بودن در خداوند، موضوع اتحاد است؛ ماندن در خداوند، موضوع مشارکت است - ۱ قرنیتیان ۳۰، ۹: ۱

ب. ماندن ما در مسیح به عنوان تاک بستگی دارد به دیدن بینشی روشن توسط ما در این مورد که ما شاخه هایی در تاک هستیم: زمانی که ببینیم که ما شاخه هایی در تاک هستیم، باید مشارکت بین ما و خداوند را حفظ کنیم - یوحنا ۱۵: ۲.

پ. زندگی مسیحی، زندگی ماندن در خداوند است - ۱ یوحنا ۲: ۶، ۲۷-۲۸؛ ۳: ۲۴؛ ۴: ۱۳، ۱۵.

ت. ماندن ما در مسیح، شرط ماندن او در ما است - یوحنا ۱۵: ۵.

ث. جدا از تاک، ما هیچ هستیم، هیچ چیز نداریم، و هیچ کاری نمی توانیم انجام دهیم - آ. ب.

ج. فقط وقتی که شاخه ها در تاک بمانند تاک می تواند همه چیز آنها باشد.

۳. ما در مسیح می مانیم تا او با مراقبت از تعلیم درونی مسح شامل تمام، در ما بماند - ۱ یوحنا ۲: ۲۷:

آ. ما با تجربه کردن پاکسازی خون خداوند و اعمال روح مسح بر وجود درونی ما، در مشارکت الهی با مسیح می مانیم - یوحنا ۱۵: ۴-۵؛ ۱ یوحنا ۱: ۵، ۷؛ ۲: ۲۰، ۲۷.

ب. مسیح به عنوان سر، آن مسح شده و آن مسح کننده است، و ما اعضای او هستیم که از او به عنوان مسح درونی برای برآورده شدن مقصودش مسرت می بریم - عبرانیان ۱: ۹؛ ۳: ۱۴؛ ۲ قرنیتیان ۱: ۲۱-۲۲.

پ. آن مسح، به عنوان حرکت کردن و کار کردن روح مرکب در درون ما، خدا را در ما مسح می کند تا بتوانیم از خدا اشباع شده، خدا را تصرف کنیم، و ذهن خدا را بفهمیم. آن مسح ذهن مسیح را به عنوان سر بدن، توسط حس درونی، آگاهی درونی از حیات، به اعضای او منتقل می کند - مزمو ۱۳۳؛ ۱ قرنیتیان ۲: ۱۶؛ رومیان ۸: ۶، ۲۷.

۴. ماندن در خداوند به معنای یک روح بودن با اوست، یعنی زیستن در روح آمیخته - ۱ قرنیتیان ۶: ۱۷:

آ. جوهر عهد جدید، آن دو روح است - روح الهی و روح انسانی - که به عنوان یک با هم آمیخته اند - آ. ۱۷؛ رومیان ۸: ۴.

ب. اتحاد این دو روح، عمیق ترین راز در کتاب مقدس است.

پ. اصطلاح «یک روح» نشانگر آمیختن خداوند به عنوان روح با روح ما است - ۱ قرنیتیان ۶: ۱۷.

۱. آن روح، که آمیختن روح ما و روح خداوند در یک روح است، هم روح خداوند و هم روح ما است - رومیان ۸: ۴؛ ۲ قرنیتیان ۳: ۱۷؛ ۱ قرنیتیان ۱۵: ۴۵.

۲. تمام تجارب روحانی ما، مثل مشارکت با خداوند، دعای ما با او، و زیستن ما با او، در این روح آمیخته است.

ت. تمرکز اقتصاد خدا، آن روح آمیخته است، روح الهی آمیخته با روح انسانی؛ هرآنچه خدا قصد

انجام یا به انجام رساندن آن را دارد، به این تمرکز مربوط می شود - افسسیان ۳: ۵، ۹؛ ۱: ۱۷؛ ۲: ۲۲؛ ۵: ۱۸؛ ۶: ۱۸:

۱. با یک روح بودن با خداوند، ما می توانیم او را به عنوان آن شامل تمام تجربه کنیم - ۱: ۲، ۲۴؛ ۳: ۲؛ ۷-۸، ۱۰؛ ۳: ۱۱؛ ۵: ۷-۸؛ ۱۰؛ ۳-۴؛ ۱۱؛ ۳؛ ۱۲؛ ۱۲؛ ۱۵؛ ۲۰، ۲۳، ۴۵، ۴۷.

۲. ما می توانیم مسیح را تجربه کنیم و مسیح را به عنوان همه چیز بگیریم زیرا با او یک روح شده ایم.

۳. برای هر کسی که با خداوند یک روح است، تأمین، تمام نشدنی است.

ث. روح آمیخته، روحی است که با خدا یک روح می باشد و در حیات و طبیعت، اما نه در خدایی او، مثل خدا است - ۱ یوحنا ۵: ۱۱؛ ۲ پطرس ۱: ۴:

۱. روح الهی و روح انسانی، در درون ما به عنوان یک آمیخته شده اند تا بتوانیم حیات یک خدا-انسان را زیست کنیم، حیاتی که خدا و در عین حال انسان است، انسان و در عین حال خداست - غلاطیان ۲: ۲۰؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱.

۲. حیات خدا-انسان، زیستن دو روح است که به عنوان یک، به هم پیوسته و در هم آمیخته شده اند.

ج. یک روح بودن با خداوند بدین معناست که ما در او هستیم و او در ماست و ما و او در حیات یک هستیم - یوحنا ۳: ۱۶؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۲.

چ. برای اینکه مسیحیان مناسبی باشیم، ما باید بدانیم که خداوند عیسی امروز به عنوان تجسم خدای سه یکتا، آن روح است که در درون روح ما ساکن و با روح ما آمیخته است - ۲ قرنتیان ۳: ۱۷؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ ۶: ۱۷.

ح. کتاب مقدس مستلزم می کند که ما بر طبق روح آمیخته گام برداریم - رومیان ۸: ۴:

۱. کلید همه چیز در روح شگفت انگیزی است که در روح تولد تازه یافته ما بوده و با روح ما یک روح شده است.

۲. زیستن در روح، اجازه دادن به مسیح است که ما را پر و اشباع کند تا وقتی که در کل وجودمان نفوذ کند و بدین وسیله از طریق ما ابراز شود - افسسیان ۳: ۱۷.

۳. ماندن متقابل در یوحنا ۱۵: ۴-۵، به عمل گذاری یک روح بودن با خداوند است.

۵. دعاهای مؤثر، حاصل ماندن ما در خداوند و ماندن کلام او در ما است - آ. ۷:

آ. دعا، همکاری و با هم کار کردن انسان با خداست، [یعنی] اجازه دادن به خدا که خود را از طریق انسان ابراز کند و از این رو مقصودش به انجام برساند. دعا کننده با خدا همکاری می کند، همراه خدا کار می کند، و به خدا اجازه می دهد که خود و خواسته خود را از درون او و از طریق او ابراز کند - رومیان ۸: ۲۶-۲۷؛ یعقوب ۵: ۱۷:

۱. دعا، جریان یافتن بین انسان و خدا و تماس متقابل بین انسان و خداست.

۲. اهمیت واقعی دعا، تماس با خدا در روحمان و جذب خود خداست - افسسیان ۶: ۱۸.

۳. راه برای تجربه مسیح ساکن در درون و زیستن مسیح، دعا کردن به طور اصیل است - کولسیان ۱: ۲۷؛ ۳: ۴؛ فیلیپیان ۱: ۲۰-۲۱.

۴. ما به آن نوع دعا نیاز داریم که ما را به تماس با خداوند می آورد، دعایی که باعث می شود تا در روح خود با او یک باشیم - ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷.

ب. وقتی در خداوند بمانیم و کلام او در ما بماند، خواسته ای در ما خواهد بود که از کلام او صادر می شود - یوحنا ۱۵: ۷؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۴-۱۵:

۱. ما حس خداوند را لمس کرده و قصد او را درک خواهیم کرد. سپس خود به خود، ما خواسته او را در خود خواهیم داشت.

۲. خواسته او خواسته ما می شود، آنچه او می خواهد همان می شود که ما می خواهیم، و ما بر طبق این خواسته دعا می کنیم.

۳. خداوند این نوع دعا را اجابت خواهد کرد زیرا از ماندن ما در خداوند و از ماندن کلام او در ما حاصل می شود.

۶. وقتی که ما در مسیح می مانیم و مسیح در ما می ماند، می توانیم دارای زندگی کلیسای باشیم - یوحنا ۱۵: ۴-۵؛ ۱ قرنتیان ۱: ۲، ۹، ۳۰؛ ۱۲: ۲۷:

آ. ما می توانیم زندگی کلیسای اصیل را فقط با زیستن در روح آمیخته داشته باشیم. ما باید برای زندگی کلیسای، در این روح آمیخته باقی بمانیم - ۱: ۲؛ ۱۲: ۲۷.

ب. زندگی کلیسای، زندگی محبت به یکدیگر است - یوحنا ۱۵: ۱۲، ۱۷.

پ. وقتی که ما در مسیح به عنوان تاک می مانیم، در مشارکت شگفت انگیز در بین هم-شاخه ها شرکت می کنیم - آ. ۴-۵؛ ۱ یوحنا ۱: ۳-۷.

پیام پنج

زیستن زندگی مسیحی توسط مسرت بردن از جریان حیات با خدمتگزاری حیات که از خانه شوکتمند خدا صادر شده و برای آن است

خواندن متون مقدس: حزقیال ۴۷: ۱-۱۲؛ ۲: ۳-۶؛

۱: ۹؛ ۱۱: ۳؛ ۶، ۹؛ ۴: ۱۵؛ ۳: ۲، ۱۲

۱. برای زیستن زندگی مسیحی، ما باید از جریان حیات صادر شده از خانه خدا، مسرت ببریم - حزقیال ۴۷: ۱-۱۲:

آ. حرکت نهایی خدا، حرکت او در انسان برای خدا ساختن انسان توسط اشباع کردن انسان از همه چیزهایی است که او [خدا] در حیات، طبیعت، عنصر، و جوهرش برای جلال، [یعنی] ابراز خدا می باشد - ۲: ۳-۱۸؛ ۱: ۳-۲.

ب. آب از زیر آستانه به بیرون جاری است - حزقیال ۴۷: ۱:

۱. برای اینکه آب جاری شود، باید یک آستانه، یک روزنه، وجود داشته باشد - مزامیر ۸۱: ۱۰.

۲. اگر به خداوند نزدیک تر شویم و با او تماس بیشتری داشته باشیم، روزنه ای ایجاد می شود که به آب زنده اجازه خواهد داد تا از کلیسا به بیرون جاری شود - سرود شماره ۸۴۶.

پ. جریان به سوی شرق است - حزقیال ۴۷: ۱:

۱. نهر خدا در جهت جلال خدا جاری است - ر.ک. اعداد ۲: ۳؛ حزقیال ۴۳: ۲.

۲. اگر همه در کلیسا جویای جلال خدا بوده و از آن مراقبت کنند [به آن اهمیت دهند]، آب زنده از کلیسا به بیرون جاری خواهد شد - یوحنا ۷: ۱۸؛ ۱: ۱۰-۳۱.

ت. آب از سمت راست خانه جاری است - حزقیال ۴۷: ۱:

۱. در کتاب مقدس، سمت راست بالاترین جایگاه است، جایگاه اول - ر.ک. عبرانیان ۱: ۳.

۲. جریان حیات باید در درون ما برتری داشته، عامل کنترل کننده در زندگی و کار ما شود - مکاشفه ۲۲: ۱؛ کولسیان ۱: ۱۸ ب.

ث. جریان، در کنار مذبح بوده، نشان می دهد که ما به رسیدگی شدن توسط صلیب و یک وقف کامل برای مسرت بردن از جریان حیات نیاز داریم - حزقیال ۴۷: ۱.

ج. برای افزایش جریان حیات، ما باید توسط خداوند به عنوان مرد برنجین اندازه گیری شویم - ۴: ۳؛ ۴۷: ۲-۵؛ مکاشفه ۱: ۱۵؛ ر.ک. یوحنا ۷: ۳۷-۳۹:

۱. اندازه گیری یعنی معاینه، آزمایش، داوری و تصرف. چهار اندازه هزار ذراع، که یک واحد کامل است (ر.ک. مزامیر ۸۴: ۱۰)، نشان می دهد که ما به عنوان مخلوقات باید کاملاً توسط خداوند اندازه گیری شویم تا او بر تمام وجودمان تسلط یافته و آن را کاملاً تصرف کند (اشعیا ۶: ۱-۸).

۲. هر چه بیشتر به خداوند اجازه دهیم که ما را معاینه، آزمایش و داوری کند تا ما را تصرف نماید، جریان عمیق تر می شود؛ عمق جریان بستگی به مقدار اندازه گیری ما توسط خداوند دارد - ر.ک. ۱: ۵، ۷.

۳. هر چه بیشتر توسط خداوند اندازه گیری می شویم، بیشتر توسط جاری شدن فیض حیات، محصور و محدود می شویم تا عاقبت توسط خدای سه یکتای جاری به عنوان نهری برای شنا کردن، غرق شده و حمل می شویم. به یک معنا، ما تمام آزادی خود را از دست می دهیم، اما به معنای دیگر، ما واقعاً آزاد هستیم - حزقیال ۴۷: ۴-۶.

چ. نهر باعث می شود همه چیز زنده شود. جریان نهر، درختان، ماهیان و رمه تولید می کند - آ.آ. ۷، ۹-۱۰، ۱۲.

ح. نهر زمین خشک و تفتیده را آبیاری می کند و آبهای مرگ را شفا می دهد. این آبیاری و شفا به منظور تولید حیات است - آ. آ. ۸:

۱. نهر قادر به شفای باتلاق ها و مرداب ها نیست. یک باتلاق یا یک مرداب، مکانی خنثی است،

- مکانی نیمه راه، مکان سازش و ولرم بودن - آ. ۱۱؛ ر.ک. مکاشفه ۳: ۱۵-۱۶.
۲. برای جریان حیات و برای زندگی کلیسایی، خداوند عیسی خواستار و طالب مطلق بودن است؛ با مطلق بودن، ما در جریان خواهیم بود، و جریان، نه یک قطره بلکه نهی برای شنا کردن خواهد بود؛ سپس همه چیز در هر کجا که نهر بیاید زنده خواهد شد.
۲. مسرت ما از مسیح به عنوان جریان حیات برای این است که ما برزگران، کاشتگران، آبیاری کنندگان، مولود کنندگان، خوراک دهندگان و بنا کنندگان با خدمتگزاری حیات برای بنای ارگانیک شگرف خدا، خانه شوکتمند خدا، باشیم - ۲ قرنیتان ۳: ۶:
- آ. خدمتگزار حیات، برزگری است که بذره‌های روحانی می‌کارد:
۱. در ۱ قرنیتان ۹: ۱۱ پولس به قرنیتان می‌گوید: «ما روحانی‌ها [چیزهای روحانی] را برای شما کاشتیم»؛ «روحانی‌ها» به بذره‌های روحانی اشاره دارد.
 ۲. بذر، محفظه حیات است، و کاشتن بذر روحانی، افاضه حیات در، با و خارج شده از روحمان است؛ خداوند عیسی به عنوان یک برزگر آمد تا خود را به عنوان بذر حیات در نژاد انسان بکارد - متی ۱۳: ۳، ۳۷.
 ۳. در بازپای خداوند، ما، به عنوان خدمتگزاران عهد جدید، باید برزگرانی باشیم که حیات را برای رشد و تولید مسیح در دیگران افاضه می‌کنیم.
- ب. خدمتگزار حیات، کاشتگری است که مسیح را در مردم خدا می‌کارد - ۱ قرنیتان ۳: ۶:
۱. ایمانداران، که در مسیح با حیات خدا تولد تازه یافته‌اند، زراعت خدا، مزرعه خدا، در خلقت نوین خدا هستند - آ. ۹.
 ۲. ما برای اینکه مسیح را در دیگران بکاریم، به تجربه اصیل مسیح به عنوان حیات در روحمان نیاز داریم.
- پ. خدمتگزار حیات، آبیاری کننده‌ای است که مردم را با مسیح آبیاری می‌کند. وقتی که مسیح را در دیگران کاشتیم، باید آنها را با آب حیات آبیاری کنیم - آ. ۶:
۱. ممکن است یک آبیاری کننده در مزرعه خدا را به یک دستگاه آبیاری با یک مخزن تشبیه کنیم که آب مزرعه را تأمین می‌کند. ما باید یک «سیستم آبیاری» الهی با یک مخزن آب زنده که در درون ما ذخیره می‌شود باشیم تا کلیسا را به عنوان مزرعه خدا آبیاری کنیم.
 ۲. ما باید تجربه اصیل مسیح را به عنوان آب حیات داشته و با او تماسی زنده داشته باشیم تا بتوانیم مجرای آب زنده، یک سیستم آبیاری الهی باشیم، که بتواند دیگران را با آب حیات تأمین کند - یوحنا ۴: ۱۴؛ ۷: ۳۷-۳۹.
- ت. خدمتگزار حیات، یک مولدکننده است، پدری که حیات را به فرزندان مولودش افاضه می‌کند - ۱ قرنیتان ۴: ۱۵:
۱. مولود کردن، بوجود آوردن فرزندان روحانی، به ثمر رساندن آنها از طریق افاضه کردن حیات است.
 ۲. برای اینکه حیات الهی را به دیگران افاضه کنیم، باید «جوانه حیات» الهی را داشته باشیم تا آنها بتوانند به عنوان فرزندان خدا مولود شوند.
- ث. خدمتگزار حیات، یک خوراک دهنده است. خوراک موردی از حیات است؛ آن با تعلیم، که موردی از دانش است، فرق دارد:
۱. دادن شیر برای نوشیدن یا خوراک برای خوردن، خوراک دادن به دیگران است (۳: ۲). آنچه آن رسول به ایمانداران قرنیتس بخش کرد شیر بود که باید آنها را تغذیه می‌کرد.
 ۲. تعلیم صحیح رسولان، تعلیم سالم را به عنوان تأمین حیات به مردم بخش می‌کند، که یا آنها را تغذیه می‌کند یا آنها را شفا می‌دهد - ۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ تیتوس ۱: ۹.

- ج. خدمتگزار حیات، بناکننده ای است که با طلا و نقره و سنگ های نفیس بنا می کند:
۱. طلا نشانگر خدای پدر در طبیعت الهی اوست، نقره نشانگر مسیح در کار بازخرید اوست، و سنگ های نفیس نشانگر روح در کار دگرگون کننده او هستند (این در مقابل چوب که دلالت بر طبیعت انسان دارد؛ علف، که دلالت دارد بر انسان در جسم؛ و کاه، که دلالت بر بی جانی [عاری از حیات بودن] دارد) - ۱ قرن تیان ۳: ۱۲.
 ۲. غزل غزلها این را به تصویر می کشد که در زندگی کلیسای مناسب، ایمانداران کامل شده با روح دگرگون کننده هماهنگی می کنند تا جویندگان عاشق مسیح را با بخش کردن خدای سه یکتا به آنها، برای دگرگونی آنان توسط صفات خدای سه یکتا که درونشان نهاده می شود تا فضیلت آنها شود، کامل کنند - ۱: ۱۰-۱۱.
 ۳. این برای بناسازی کلیسا به عنوان بدن ارگانیک مسیح است تا اورشلیم نو را برای به انجام رساندن اقتصاد جاودان خدا تکمیل کند - ۱ قرن تیان ۳: ۱۲؛ مکاشفه ۲۱: ۱۸-۲۱.

خدای سه یکتا در مسیح که با درخشش در دل‌هایمان برای ما حیات است

خواندن متون مقدس: ۲ قرن‌تیاں ۴: ۴، ۶-۷؛ ۳: ۱۸؛ متی ۱۷: ۲؛
افسسیان ۵: ۸-۹؛ مکاشفه ۲۲: ۴، ۵؛ ۲۱: ۲۳

۱. «که در ایشان خدای این جهان [عصر] فهم‌های بی ایمانشان را کور گردانیده است که مبادا تجلی بشارت [روشنایی انجیل] جلال مسیح که صورت خداست، ایشان را روشن سازد» - ۲ قرن‌تیاں ۴: ۴

آ. شیطان، خدای این عصر، افکار و ذهن‌های غیر ایمانداران را کور کرده است تا روشنایی انجیل جلال مسیح در دل‌های آنها ندرخشد:

۱. کسانی که کور یا در پرده هستند فکر می‌کنند که چیزی را نمی‌پرستند؛ در حقیقت، خدای آنها شیطان است.

۲. خداناباوران [آتئیست‌ها] شیطان را می‌پرستند بدون اینکه بدانند چکار می‌کنند.

۳. تقریباً همه مردم امروز توسط خدای این عصر کور شده‌اند.

ب. مسیح به عنوان صورت خدا، تابش جلال اوست. از این جهت، انجیل مسیح، انجیل جلال اوست که در دل‌های ما منور، تابان و درخشان می‌شود - ۱: ۳؛ ۲ قرن‌تیاں ۴: ۶.

پ. انجیل جلال مسیح، انجیل جلال خدای متبارک است - ۱ تیموتائوس ۱: ۱۱.

ت. با توزیع حیات و طبیعت خدا در مسیح به درون مردم برگزیده خدا، انجیل جلال مسیح، جلال خدا را می‌درخشد، که در آن خدا در میان مردمش برکت داده می‌شود - عبرانیان ۱: ۳؛ افسسیان ۳: ۱، ۶، ۱۲، ۱۴.

۲. «زیرا خدایی که گفت تا نور از ظلمت درخشید، همان است که در دل‌های ما درخشید تا نور معرفت [شناخت] جلال خدا در چهره عیسی مسیح از ما بدرخشد» - ۲ قرن‌تیاں ۴: ۶:

آ. درخشش خداوند در دل‌های ما منجر به روشنایی شناخت جلال خدا در چهره عیسی مسیح می‌شود، یعنی در آن روشنگری که باعث می‌شود ما جلال خدا را در انجیل مسیح بشناسیم - آ. ۴، ۶.

ب. روشنایی شناخت جلال خدا، در چهره عیسی مسیح است. این نشان می‌دهد که انجیل جلال مسیح، شخصی دوست داشتنی است که می‌توانیم بر چهره او جلال خدا را ببینیم - آ. ۴، ۶؛ متی ۱۷: ۲.

پ. جلال خدا که در چهره عیسی مسیح ظاهر شده است، خدای جلال است که از طریق عیسی مسیح، آن که تابش جلال خداست، ابراز گشته است. شناخت او، شناخت خدای جلال است - اعمال ۷: ۲؛ عبرانیان ۱: ۳.

ت. هر چه بیشتر خدا در دل‌های ما بدرخشد، ما بیشتر بر دیگران می‌درخشیم تا آنها هم شناخت جلال خدا را در چهره عیسی مسیح داشته باشند، یعنی شناخت مسیح که خدا را ابراز و اعلام می‌کند. انجیل جلال مسیح اول به درون ما می‌درخشد، و سپس از درون ما به بیرون می‌درخشد - یوحنا ۱: ۱۸؛ متی ۵: ۱۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۵.

۳. «این خزینه [گنجینه] را در ظروف خاکی داریم تا برتری قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما» - ۲ قرن‌تیاں ۴: ۷:

آ. از طریق روشنایی انجیل جلال مسیح، مسیح جلال به عنوان گنجینه عالی [برتر]، توسط ایمانداران دریافت می‌شود. حالا واقعیت درخشان مسیح، تجسم و ابراز خدای سه یکتا، گنجینه درون ماست - آ. ۶-۷:

۱. درخشش خدا، که توزیع خداست، در دل‌های ما گنجینه‌ای را به درونمان می‌آورد، [یعنی]

- مسیح شامل تمام، که تجسم خدای سه یکتا به عنوان روح حیات بخش است تا حیات و همه چیز ما باشد - آ.آ. ۴، ۶-۷؛ کولسیان ۲: ۹؛ ۳: ۴، ۱۱؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵ ب.
۲. این گنجینه نفیس، مسیح ساکن در درون، آن منشأ الهی تأمین برای زندگی مسیحی است - فیلیپیان ۴: ۱۳؛ ۲ قرنتیان ۱۳: ۵؛ ۴: ۷.
- ب. این گنجینه نفیس، ما را که ظروف خاکی هستیم، خدمتگزاران عهد جدید کرده است با یک خدمتگزاری نفیس. این توسط قدرت الهی در رستاخیز است. عالی بودن این قدرت، مطمئناً از خدا و نه از ماست - ۳: ۶؛ ۱: ۹؛ ۴: ۷.
- پ. کسانی که انجیل جلال را از طریق درخشش ما دریافت می کنند، مسیح را به عنوان آن گنجینه نفیس خواهند داشت که در آنها توزیع می شود. آنگاه، آنها مانند ما، ظروف خاکی حاوی این گنجینه نفیس خواهند بود - آ.آ. ۴، ۶-۷.
۴. «همه ما چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می نگریم [و بازتاب می کنیم]، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل [دگرگون] می شویم، چنانکه از خداوند که روح است» - ۳: ۱۸:
- آ. نگرستن بر جلال خداوند این است که خودمان او را ببینیم. بازتاب جلال خداوند، قادر ساختن دیگران برای دیدن او از طریق ماست.
- ب. جلال خداوند، جلال مسیح رستاخیز و صعود کرده است، که همان روح حیات بخش است که در ما ساکن است تا خود و هر آنچه که به انجام رسانده، به آن نائل شده، و آن را به دست آورده است را برای ما واقعی کند تا با او یک بوده و به همان صورت خداوند از جلال تا جلال دگرگون شویم. از این طریق، او ما را مثل خودش می کند - لوقا ۲۴: ۴۶؛ عبرانیان ۲: ۹؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸؛ رومیان ۸: ۲۹.
- پ. این یک فرآیند مداوم در حیات در رستاخیز است - ۲ قرنتیان ۳: ۱۸.
۵. «پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند، نور می باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید» - افسسیان ۵: ۸:
- آ. همانطور که خدا نور است، ما فرزندان خدا نیز فرزندان نور هستیم - ۱ یوحنا ۱: ۵؛ افسسیان ۵: ۸؛ یوحنا ۱۲: ۳۶.
- ب. ما نه تنها فرزندان نور هستیم - ما خود نور می باشیم. ما نور هستیم چون در خداوند، با خدا یک هستیم - متی ۵: ۱۴؛ یوحنا ۱: ۵.
- پ. وقتی در نور هستیم، خارج از قلمرو درست و غلط می باشیم - آ. ۷.
- ت. اگر مانند فرزندان نور گام برداریم [رفتار کنیم]، میوه ای که در افسسیان ۵: ۹ توصیف شده است را به بار خواهیم آورد:
۱. میوه نور باید نیکو در طبیعت، عادلانه در روش، و واقعی در ابراز باشد، تا خدا به عنوان واقعیت گام برداشتن روزانه ما ابراز شود.
۲. میوه نور در نیکویی، عدالت، و راستی، مربوط به خدای سه یکتا است:
- (آ) خدای پدر به عنوان نیکویی، طبیعت میوه نور است. بنابراین، نیکویی در آیه ۹ به خدای پدر اشاره دارد - متی ۱۹: ۱۷.
- (ب) عدالت به خدای پسر اشاره دارد، زیرا مسیح آمد تا مقصود خدا را بر طبق روش عادلانه خدا به انجام برساند - رومیان ۵: ۱۷-۱۸، ۲۱.
- (پ) راستی [حقیقت]، ابراز میوه نور، به خدای روح اشاره دارد، زیرا او آن روح واقعیت است - یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۳.
۶. «و چهره او را خواهند دید... خداوند خدا بر ایشان [خواهد درخشید] روشنایی می بخشد» - مکاشفه ۲۲: ۴، ۵ ب:

- آ. دیدن چهره خدا و برّه، برکتی از خدای سه یکتا خواهد بود که بازخیریدشدگان خدا در ابدیت از آن مسرت خواهند برد - آ. آ. ۴.
- ب. خود خدا در برّه، بر ما خواهد درخشید، و ما برای همیشه تحت روشنائی پر جلال او زندگی خواهیم کرد - آ. آ. ۵؛ ب. ۲۱: ۲۳.